

Ending White Racism
By: Dvora Slavin
Seattle, Washington, USA.

Farsi Translation
Vida Mozafarieh

پایان دادن به نژادپرستی سفید پوستان
نوشته: دوورا اسلاوین
سیاتل ، واشنگتن ، آمریکا

ترجمه فارسی
ویدا مظفریه

تصور نمیکنم زمانی بهتر از حالا وجود داشته باشد که کار برای اتمام نژادپرستی سفیدپوستان را انجام دهیم. مقدار بسیار زیادتری از مسائل آشکار شده اند. چالش های ما بهتر دیده میشوند. و آسان تر می توان اثرات چالش های ما را روی زمین و مردم مشاهده نمود.

کاش فهم بیشتری در زمینه چالش های ما سفیدپوستان وجود داشت، ولی رسیدن به آن وظیفه ماست تا متوجه شویم که از کجا برای ما اتفاق افتاد. سه گروه دیگر که همین چالش را دارند بفکر رسیدن به طبقه ثروتمند، مردان و آمریکایی ها هستند. همانند ما ، آزدگی هایشان سبب شدند که آنها سلطه و چیرگی در دنیا اعمال و پیاده کنند.

در بیست سال اخیر که شانه به شانه با سایرین ایستاده ام، شانس این را داشتم که در آرسی برای حذف و پایان دادن به نژادپرستی سفید کار کنم. حال با تمام چیزهایی که دور و ور ما اتفاق می افتد، شانس این را داریم که خود و سایر سفیدپوستان را از «شیوع فراگیری بنام نژادپرستی سفید» آگاه سازیم.

به دو دلیل این فرصت عالی است. اول نژاد پرستی، بیشتر برای ما سفیدپوستان به دلیل تکنولوژی و فناوری و سیاست های رئیس جمهور سابق آمریکا ، آشکار شد. توانستم با فامیل و همسایگانی که هیچگاه قبلاً صحبت نکرده بودم، حرف بزنم. سعی و کوشش برای «کودتا» روز ۶ ژانویه نشان داد که تا چه حد ما مردم سفیدپوست مغشوش هستیم و به دروغ ها و تاکتیک های حکومت سابق و همراهانش آسیب پذیر میباشیم.

همچنین این فرصت بدلیل جنبش «زندگی سیاه با ارزش است» بسیار فرصت خوبی است. هدف اول جامعه آرسی که در کنفرانس جهانی ۲۰۰۱ گرفته شد «که حذف نژادپرستی، مخصوصاً نژادپرستی هدف گیری شده بر مردم آفریقایی تبار، میبایست بطور فعالانه، کار اصلی مشاوران جامعه آرسی باشد». زمانیکه ما در مسیر یک هدف کلیدی حرکت میکنیم، سایر و دیگر انواع سلطه ها و نژادپرستی ها همراه آن ادامه می یابد. تصور میکنم این کار در شرف وقوع است.

در اینجا دو کار را پیشنهاد میکنم که رویداد های جدید را هم دربر می گیرد:

(۱) که همه سفیدپوستان تشویق شوند و سعی کنند کار رهبری پایان دادن به نژادپرستی سفیدپوستان را انجام دهند.

(۲) که ما متمرکز شویم و یک جبهه متحد از سفید پوستان برای پایان نژادپرستی ایجاد کنیم.

کار مدیریت برای پایان دادن به نژادپرستی سفید:

تصمیم برای پایان دادن به نژادپرستی سفید یعنی پایان دادن به آزدگی های مزمین نژادپرستی خودمان و همانطور که خود تخلیه میکنیم، میتوانیم به سایر سفیدپوستانی که با آنها در تماس هستیم نیز کمک کنیم که از این «مرض» رها شوند.

من از شما دعوت میکنم که بمن بپیوندید و این فرصت موجود را پیدا کرده دنبال کنید. ترکیبی از تصمیم، اقدام و تخلیه، آزدگی ما را بحرکت درمیآورد. من اکنون روی قسمت اقدام کار میکنم. مطمئن هستم این کار تخلیه تصمیم مارا برای آزدسازی ما از نژادپرستی سفید سرعت خواهد بخشید.

از زمان برقراری هدف ۲۰۰۱، جامعه آرسی در دنیا کار اتمام نژادپرستی را از حاشیه به مرکز برده است. حال من از همه دعوت میکنم که کار نژادپرستی سفید را در کار مدیریت آرسی خود مورد توجه قرار دهند و هدف اصلی قرار دهند. این بمعنی آنست که اینکار در مرکز کار تبعیض جنسی، چیرگی مرد، تبعیض مرد، تبعیض سامی گری، تبعیض طبقه ای، بحران اقلیمی، و الی آخر قرار داشته باشد. ما میتوانیم تمام سفیدپوستان را تشویق کنیم که اینکار را انجام دهند، تا کمک کند که نه فقط آزدگی خود ما سرعت گیرد بلکه جوامع ما هم با سرعت بیشتری حرکت کنند.

ما همچنین لازم است که در خارج از آرسی هم سفیدپوستان را مدیریت کنیم. این به معنی آنست که با اشخاصیکه حاضرند بما گوش کنند یا حتی کسانیکه حاضر نیستند گوش کنند، رابطه برقرار کنیم، چه با کسانیکه بما نزدیکند و چه به کسانیکه نیستند. میبایست به آنها توجه و امیدواری در جاهایی که نمیتوانند باشند، انجام دهیم. به آنها بگوییم که میدانیم خوب هستند، و اگر قبول نکردند، بگوییم ما حامی شما هستیم. (این صحبت ها به کجا خواهد انجامید؟)

ما میتوانیم موقعیت ایجاد کنیم، نشان دهیم در کجا به اشتباه، آسیب پذیر و نژاد پرست شده اند و پیغام هایی چون «بهتر از» و «کمتر از» یا «مستحق بهتر هستیم» را به رفتار های تسلط و فرمانفرمایی و برتری خود افزودند. میبایست جدا نمائیم. میتوانیم به خانواده های

سفیدپوستان، به همسایه ها و به همکارانمان بگوییم که ما همگی با درونی کردن این اشتباه، آنرا باور کرده ایم.

ما میتوانیم به تجربه مردم برای زندگی در این جامعه سلطه گر، غیر انسانی و کاپیتالیستی گوش دهیم و بگوییم که می شود راه دیگری برای زندگی در نظر گرفت — و چنانچه بخواهیم زمین قابل زندگی باشد، میبایست اینکار را انجام دهیم. این کار به تخلیه ما خواهد افزود. لزومی ندارد که بیشتر از آنچه اکنون میدانیم بدانیم.

یک جبهه متحد از مردم سفید:

ما میتوانیم یک جبهه متحد از مردم سفید را ایجاد کنیم که تبعیض نژادی را خاتمه دهند. میتوانیم از همین جایی که هستیم شروع کنیم. مردم را دعوت میکنیم که در پروژه «آزادسازی سیاره تبعیض نژادی» بما بپیوندند (و مسلماً تبعیض های دیگر)، و با همراهی آنها فکر میکنیم که چگونه انحامش دهیم. ما میتوانیم، و لازم است، به آنها دید خود را که «میخواهیم مردم سفیدپوست با ما باشند را بگوییم؛ نه فقط کسانی که ما احساس میکنیم با آنها راحت هستیم و یا به آسانی با ما موافق میشوند.»

یک مشت از مردم سفیدپوست — که بیشتر مرد و کارگر بودند — روشی را که در آن ناامنی ها و سایر آزرده گیها نشان داده می شد را به تماشا گذاشتند تا ما بتوانیم دروغ ها و حرف های زننده او را که در مدت چهار سال گذشته شنیده بودیم، باور کنیم. بعضی از آنها «راه اندازی و کوک» شده بودند تا اقدامات خشونت آمیز انجام دهند. (البته تبعیض نژادی، یهودی ستیزی، تبعیض جنسی و سایر روش های تبعیضی، قبل از دولت قبلی هم وجود داشته که به وضوح نشان داده می شد.)

در صورتیکه و اگر، ما خود را از این انسان های سفید دور کنیم، اگر خود را باهوش تر و بهتر از آنها ببینیم، اگر به آنها بصورت «بازندگان نژادپرست سفید» بنگریم، در آن صورت با جدایی و تفرقه همکاری کرده ایم، که هدف کسانی است که از آن بهره مادی میبرند.

هیچ انسان دشمنی وجود ندارد. دشمن الگوهای آزرده گی است که روی همه ما پیاده شده است. زمانیکه ما «از خود دور میشویم» و یا کسی یا گروهی را بصورت دشمن می بینیم، ما جزئی از مسئله میشویم و نه راه حل آن. «هاروی جکینز» گفت: «من مرد خوبی هستم، من یکی از مردان خوب هستم، و مردمان بد هم خوب هستند.» این نوع درک کردن مخصوصاً در دوران بعدی مهم است. سرمایه داری در حال فروریختن است، بیشتر و بیشتر تاکتیک ها و روش های «تفرقه بینداز و حکومت کن» مردم را حواس پرت کرده و تلاش های ما را از خط خارج میکند تا نتوانیم بیکدیگر بپیوندیم و فرق ایجاد نماییم.

همچنانکه جبهه متحد مردم سفید را دور خود میسازیم، میبایست کشف کنیم و ببینیم چگونه آنرا برای انحن خواهان و با حمایت و مدیریت و رهبری مردم اکثریت جهانی رنگین پوست و مردم بومی ، کامل کنیم.

حتی با شادی و خوشحالی در ارتباطها و در حال تخلیه ماندن:

شما چی فکر میکنید؟ شما درباره همه این چیزهایی که در این زمان فوق العاده جالب اتفاق می افتد و شما زنده هستید، چگونه فکر میکنید؟ با وجود ترسناک بودن، ناراحت کننده و یا گیج کننده بودن ، این زمانها فرصت هایی هستند که به مردم گوش دهیم و با آنها دیدمان را در میان بگذاریم که کمک کند فراتر از تحریکات شان فکر کنند. ما لازم است که در ارتباط مانده، در حال تخلیه و شاید حتی در حالتی خوشحال و شاد ، درباره آنچه امکان انجام دادنش را داریم، بمانیم.